

بیت‌الاحیاء و حیات

پیشرفت، مستلزم تحول مطلوب نفوس انسانی و هنجارها و ساز و کارهای اجتماعی است و لذا امری تدریجی و طولانی و وابسته به ایمان و عزم و تلاش ملی و صبر و مداومت همگانی و از همه برتر، تفضلات الهی است که به حول و قوه کبریایی‌اش انشاءالله در تداوم انقلاب اسلامی به این ملت عنایت خواهد فرمود.

(مقام معظم رهبری _ مهرماه 1397)

ویژگی های

(الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت)

به منظور کاربری در برنامه ریزی ها و سیاستگذاریهای نظام اداری

گردآورنده : دکتر علی یونسی

استادیار گروه اقتصاد دانشگاه پیام نور استان مرکزی

- 1- مفهوم شناسی الگوی اسلامی _ ایرانی پیشرفت.....4
- 2- اسلامی سازی علوم انسانی و تأسیس علوم انسانی اسلامی5
- 3- رابطه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت با اسلامی سازی علوم انسانی5
- 4- راهبردهای تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت6
- 5- راهبرد کوتاه مدت: تجمیع ذخایر علمی موجود6

- 7..... راهبرد میان‌مدت: تعریف و برگزاری دوره‌های دکترا و فوق‌دکترای پژوهشی.
- 7..... راهبرد بلندمدت: تشکیل گروه‌های پژوهشی فلسفه علوم انسانی اسلامی.
- 2- اصول و مبانی الگوی اسلامی _ ایرانی پیشرفت..... 8
- 8..... مبانی خداشناختی.....
- 9..... مبانی جهان‌شناختی.....
- 9..... مبانی انسان‌شناختی.....
- 9..... مبانی جامعه‌شناختی.....
- 10..... مبانی ارزش‌شناختی.....
- 10..... مبانی دین‌شناختی.....
- 11..... آرمان‌ها.....
- 11..... رسالت.....
- 11..... افق.....
- 12..... تدابیر.....
- 3- الگوی اسلامی _ ایرانی پیشرفت از دیدگاه امام خمینی (ره)..... 15
- 16..... چشم انداز پیشرفت مطلوب.....
- 17..... نقشه و الگوی پیشرفت.....
- 19..... پیشگامان نوآوری و شکوفای.....
- 19..... شرایط و لوازم نوآوری و شکوفای.....
- 20..... ایمان و اتکال به خدا:.....
- 20..... خودباوری و اعتماد به نفس:.....
- 20..... تلاش و مجاهدت:.....
- 21..... قدرت و جرأت علمی:.....
- 22..... نواندیشی و نظریه‌سازی:.....
- 22..... عزم ملی.....
- 22..... شرایط دیگر.....
- 24..... منابع.....

1- مفهوم شناسی الگوی اسلامی _ ایرانی پیشرفت

مفهوم الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت، با تبیین چهار مطلب به خوبی روشن می‌شود: مفهوم پیشرفت، مفهوم الگو، وجه اسلامیت الگو و وجه ایرانیت آن.

پیشرفت در تعریفی عام عبارت است از فرآیند حرکت از وضعیت موجود به سمت وضعیت مطلوب. این تعریف در همه مکتب‌ها با بینش‌ها و ارزش‌های متفاوت صحیح است و اختلاف مکاتب در چگونگی تحلیل وضعیت موجود یا تبیین وضعیت مطلوب یا راهبردهای تغییر ظاهر می‌شود.

الگو به مجموعه نظام‌مندی از مفاهیم، اصول موضوعه و قوانین اطلاق می‌شود که در یک ساختار منطقی برای توضیح و تفسیر یک سیستم از موجودات تکوینی، پدیده‌ها، روش‌ها، فرآیندها، تئوری‌ها و نظریات ارائه می‌گردد.

در یک تقسیم‌بندی کلی الگوها به دو دسته توصیفی و هنجاری تقسیم می‌شوند. الگوهای توصیفی به توصیف یک امر موجود می‌پردازند و الگوهای هنجاری آنچه که باید انجام شود را توضیح می‌دهند.

بر این اساس الگوی پیشرفت یک الگوی تئوری است؛ یعنی مجموعه نظام‌مندی از مفاهیم، اصول موضوعه، قوانین و راهبردها است که در ساختاری منطقی وضعیت موجود را تحلیل، وضعیت مطلوب را تبیین و راهبرد حرکت از وضعیت موجود به مطلوب را ارائه دهد. این الگو در بخش تحلیل وضعیت موجود یک الگوی توصیفی و در بخش ارائه وضعیت مطلوب و راهبردها یک الگوی هنجاری است.

الگوهای پیشرفت لااقل در یکی از این سه امر (تحلیل وضعیت موجود، تبیین وضعیت مطلوب، راهبردهای تغییر) با یکدیگر اختلاف دارند و یکی از مناسبات اصلی اختلاف نیز جهان‌بینی و ارزش‌های حاکم بر این الگوها است. اگر الگو مبتنی بر جهان‌بینی و اخلاق و حقوق اسلامی باشد می‌توان آن را به اسلامی بودن متصف کرد.

بنابراین، الگوی اسلامی پیشرفت الگویی است مبتنی بر مبانی معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی اسلامی و در چارچوب حقوق و اخلاق اسلامی. این الگو ثابت و جهان‌شمول است و قابل تطبیق بر شرایط زمانی و مکانی گوناگون می‌باشد.

اتصاف الگوی اسلامی پیشرفت به ایرانی بودن به جهت تطبیق این الگو بر شرایط و ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ایران است. به همین جهت ممکن است این الگو برای سایر کشورهای اسلامی مناسب نباشد.

این بحث (وجه توصیف الگوی پیشرفت به اسلامی و ایرانی) با بحث ثابت و متغیر در شریعت اسلامی ارتباط وثیقی دارد. بینش‌ها و چارچوب‌های اخلاقی و حقوقی اسلامی جزو ثابتات است. با این وجود این ثابتات قابل تطبیق بر شرایط مختلف است.

نتیجه آنکه: الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به مجموعه نظام‌مندی از مفاهیم، اصول موضوعه، قوانین و راهبردها اطلاق می‌شود که در ساختاری منطقی و مبتنی بر مبانی معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی اسلام

و در چارچوب حقوق و اخلاق اسلامی به تحلیل وضعیت موجود ایران و تبیین وضعیت مطلوب آن و ارائه راهبردها برای تغییر وضعیت موجود می‌پردازد.

اسلامی‌سازی علوم انسانی و تأسیس علوم انسانی اسلامی

در يك نگاه کلان و با رد عقائد پوزیتیویست‌ها، علوم انسانی نیز سه وظیفه را بر عهده دارند:

1-تبیین وضعیت مطلوب

2-تحلیل وضعیت موجود

3-ارائه راهبرد تغییر

علوم انسانی در بخش اثباتی به وظیفه دوم و در بخش هنجاری یا دستوری به وظیفه اول و سوم می‌پردازند. علوم انسانی موجود این سه وظیفه را از طریق تئوری‌هایی انجام می‌دهند که غالباً مبتنی بر جهان‌بینی و ارزش‌های غیراسلامی است.

اسلامی‌سازی علوم انسانی موجود به مفهوم تخلیه این تئوری‌ها از بینش‌ها و ارزش‌های غیراسلامی و وارد کردن بینش‌ها و ارزش‌های اسلامی در آنها است. به عبارت دیگر در اسلامی‌سازی این علوم روش‌ها، ابزارها و قالب‌های تئوری‌های مزبور حفظ می‌شود ولی محتوای آنها از مفاهیم و مبانی و احکام غیراسلامی پاکسازی شده و به دلیل اسلامی جایگزین آن می‌گردد. مثال روشن این امر تئوری‌های بانکداری است که با حذف قرض ربوی و بهره و ارائه جایگزین اسلامی، اسلامیزه می‌شود.

لازم به ذکر است تأسیس علوم انسانی اسلامی با اسلامی‌سازی علوم انسانی موجود متفاوت است. در تأسیس علوم انسانی اسلامی روش‌ها و ابزارها و قالب‌های تئوری‌های علوم انسانی موجود نیز اسلامی می‌شود. به عبارت دیگر در تأسیس علوم انسانی اسلامی به دنبال تولید علمی هستیم که سه وظیفه فوق را مبتنی بر مبانی معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی اسلامی و در چارچوب اخلاق و حقوق اسلامی انجام می‌دهند و محصور در چهارچوب‌ها و روش‌ها و ابزارهای علوم انسانی موجود نمی‌شویم.

با وجود این اختلاف بین اسلامی‌سازی علوم انسانی موجود و تأسیس علوم انسانی اسلامی، به نظر می‌رسد در مرحله عملی اولی مقدمه تحقق دومی است و اسلامی‌سازی علوم انسانی موجود معبری برای دستیابی به توانایی علمی جهت تأسیس علوم انسانی اسلامی است.

در ادامه برای جلوگیری از تطویل عبارت‌ها اسلامی‌سازی را در مفهومی عام که شامل تأسیس نیز می‌شود به کار می‌بریم.

رابطه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت با اسلامی‌سازی علوم انسانی

براساس آنچه گذشت، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت محصول اسلامی‌سازی علوم انسانی است و اسلامی‌سازی این علوم مقدمه لازم تدوین این الگو است. در حقیقت علوم انسانی روش‌ها و تئوری‌های لازم برای تحلیل وضعیت موجود و تبیین وضعیت مطلوب و ارائه راهبردها را فراهم می‌کنند. لذا هرچه در اسلامی‌سازی علوم انسانی بیشتر پیش برویم می‌توانیم وجه اسلامیت الگوی پیشرفت را بیشتر تعمیق

نماییم. البته منظور، همه علوم انسانی نیست بلکه رشته‌هایی از علوم انسانی موردنظر است که با بحث پیشرفت در ابعاد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و سایر ابعاد آن تناسب دارند.

از آنچه گذشت درمی‌یابیم که راهبرد تدوین چنین الگویی با راهبرد اسلامی‌سازی علوم انسانی ارتباط وثیق دارد و این دو از یکدیگر قابل انفکاک نیستند.

راهبردهای تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

در ادامه با توجه به مطالب پیشین، سه راهبرد کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت جهت تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت همراه با اسلامی‌سازی علوم انسانی را پیشنهاد می‌کنم. این سه راهبرد در طول هم هستند و نتیجه هر راهبرد يك الگوی پیشرفت است؛ با این تفاوت که وجه اسلامی الگویی که حاصل راهبرد میان‌مدن است بیشتر و عمیق‌تر از الگوی منتج از راهبرد کوتاه مدت، و وجه اسلامیت الگوی حاصل از راهبرد بلندمدت بیشتر و عمیق‌تر از الگوی منتج از راهبرد میان‌مدت است.

راهبرد کوتاه مدت: تجمیع ذخایر علمی موجود

در آستانه چهل سالگی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران هستیم. در این مدت گرچه فعالیت برنامه‌ریزی شده و گسترده‌ای برای اسلامی‌سازی علوم انسانی توسط نظام انجام نشده ولی اقدامات شایسته‌ای توسط برخی مراجع و شخصیت‌های علمی حوزه در این جهت انجام شده است. برخی دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی تأسیس شده‌اند که بیش از دو دهه به آموزش و پژوهش در موضوعات علوم انسانی اسلامی پرداخته‌اند. مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، دانشگاه امام صادق (ع)، دانشگاه مفید، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، نمونه‌های بارز این حرکت آگاهانه است.

حاصل این تلاش تربیت نیروهای دارای فضل حوزوی و تحصیلات دانشگاهی در علوم انسانی است که توانایی پژوهش در جهت اسلامی‌سازی این علوم را دارند. همچنین در این مراکز، تحقیقات متعددی درباره فلسفه علوم انسانی و راه‌های اسلامی‌سازی علوم انسانی و موضوعات علوم انسانی اسلامی صورت گرفته است. در دو دهه اخیر، تنها در رشته اقتصاد اسلامی در قم بیش از صد کتاب و بیش از 250 مقاله علمی در موضوعات نظام‌های مالی اسلامی، توسعه اسلامی، نظام اقتصادی اسلام، سیاست‌های اقتصادی با نگرش اسلامی، فقه الاقتصاد، اقتصاد در قرآن و سنت، اقتصاد خرد اسلامی، اقتصاد کلان با رویکرد اسلامی و فلسفه و روش‌شناسی اقتصاد اسلامی منتشر شده است. در سایر رشته‌های علوم انسانی نیز کمابیش چنین است.

در حال حاضر در حوزه علمیه 11 انجمن علمی در رشته‌های علوم انسانی فعالیت می‌کنند و بیش از ده انجمن نیز در حال تأسیس هستند. اعضای این انجمن‌ها تحصیل‌کرده حوزه و دانشگاه و محققینی هستند که برخی از آنان دارای تألیفات شایسته در موضوع تخصص خود می‌باشند. در کوتاه‌مدت می‌توان از ذخایر علمی که تا کنون در کشور فراهم گشته استفاده کرد و با تجمیع پژوهشگران و پژوهش‌های آنان در زمینه علوم انسانی اسلامی به اسلامی‌سازی علوم انسانی به مفهوم پیش گفته و تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت پرداخت. تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت براساس ظرفیت علمی موجود در کوتاه‌مدت، تنها اقدام عملی ممکن و لازم است. اما بسنده کردن به این الگو و عدم برنامه‌ریزی میان‌مدت و بلندمدت برای دستیابی روشمند به الگوی کامل و خالص اسلامی ایرانی پیشرفت اشتباه است.

راهبرد میان‌مدت: تعریف و برگزاری دوره‌های دکترا و فوق‌دکترای پژوهشی

در راهبرد میان‌مدت برای تعمیق اسلامی‌سازی علوم انسانی موجود برنامه‌ریزی می‌شود. در این راهبرد پس از آسیب‌شناسی پژوهش‌های موجود و تشخیص موضوعاتی که پژوهش در آنها ضعیف یا نادر است، به تعریف و برگزاری دوره‌های دکترا و فوق‌دکترای پژوهشی در آن موضوعات خواهیم پرداخت. بدین ترتیب به تدریج حجم پژوهش در موضوعات مزبور متراکم گشته و امکان تعمیق اسلامی‌سازی علوم انسانی از طریق بازسازی عمیق‌تر و گسترده‌تر تئوری‌های علوم انسانی موجود فراهم می‌شود.

بر اساس تئوری‌های بازسازی شده وضعیت مطلوب ترسیم گشته، وضعیت موجود تحلیل و راهبردهای تغییر پیشنهاد می‌گردند. بدین ترتیب به الگویی از پیشرفت دست می‌یابیم که وجه اسلامیت آن قوی‌تر و عمیق‌تر است، گرچه کامل نیست. در فرآیند تحقق این راهبرد ادبیات علمی مرتبط با الگوی پیشرفت اسلامی غنی‌تر گشته، نیروهایی که توانایی تولید نظریات و تئوری‌های خالص اسلامی و اجرای آنها را دارند، تربیت شده و زمینه‌های لازم برای ایجاد رشته‌های علوم انسانی اسلامی مرتبط با الگوی پیشرفت و نیز زمینه‌های لازم برای تدوین و اجرای الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت منتج از این راهبرد، بیش از پیش فراهم می‌شود.

راهبرد بلندمدت: تشکیل گروه‌های پژوهشی فلسفه علوم انسانی اسلامی

در راهبرد بلندمدت برای تأسیس علوم انسانی اسلامی و تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت بر اساس این علوم برنامه‌ریزی می‌شود. در این راهبرد با شناسایی محققان کلیدی در هر رشته به تشکیل گروه‌های پژوهشی در فلسفه علم مضاف به هر یک از رشته‌های علوم انسانی و در کنار آن تشکیل گروه پژوهشی فلسفه علم (که مرکب از برترین محققان هر رشته و برترین محققان فلسفه علم است) پرداخته و از طریق تحقیقات بین رشته‌ای روشمند و هماهنگ به پرسش‌های اساسی فلسفه علم به صورت کلی و به صورت رشته‌ای جواب‌های یکسان و مکتب‌گونه خواهیم داد. پس از آن قادر خواهیم بود علوم انسانی اسلامی را بر اساس مبانی و ارزش‌های اسلامی تأسیس نماییم.

بدین ترتیب در طول برنامه بلندمدت به تعمیق وجه اسلامی تئوری‌ها در علوم انسانی و به موازات آن تعمیق وجه اسلامیت الگوی ایرانی پیشرفت پرداخته و به تدریج به نتیجه مطلوب دست می‌یابیم. افزون بر این نیروهای علمی و اجرایی لازم برای تحقق الگوی اسلامی و ایرانی پیشرفت تربیت می‌شوند.

در پایان، ذکر این نکته لازم است که تدوین برنامه‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت و بلندمدت بر اساس این راهبردها و نیز اجرای آنها بدون مشارکت همه نیروهای نخبه علمی حوزوی و دانشگاهی به ویژه آنان که صلاحیت‌های علمی حوزوی و دانشگاهی را در خود جمع نموده‌اند، امکان‌پذیر نیست. لذا لازم است نهادی متکفل این امر شود که توانایی تجمیع همه ذخایر علمی مفید و تقسیم منطقی مسئولیت‌ها را داشته باشد.

2- اصول و مبانی الگوی اسلامی_ ایرانی پیشرفت

تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت یکی از مسائل بسیار مهم کشور و ضامن بقا و استمرار نظام اسلامی و گامی اساسی در جهت تاسیس تمدن نوین اسلامی است. اهمیت این مساله باعث شده است که رهبر معظم انقلاب بارها بر آن تاکید نموده و رهنمودهایی در این زمینه ارائه کرده‌اند. بدون شک تدوین چنین الگویی مبتنی بر پاره‌ای مبانی و زیرساخت‌های بنیادین نظری است که بدون توجه به آنها الگو جهت صحیح خود را باز نیافته و غفلت از آنها اهداف و مسیر الگو را دگرگون خواهد ساخت. مبانی الگو، اصول جهان بینی یا متاپارادایمی است که به منزله زیربنای نظریه‌های جاری در عرصه‌های گسترده پیشرفت است. جهان بینی اسلامی در بر دارنده محورها و مضامینی است که پاسخ پرسش‌های بنیادین و زیرساختی مهمی را در محورهایی چون معرفت شناسی، هستی شناسی، خدا شناسی، جهان شناسی، انسان شناسی، جامعه شناسی، ارزش شناسی و دین شناسی پیش روی متفکر قرار می‌دهد. بنیاد قرار گرفتن اسلام برای تدوین الگوی پیشرفت در درجه نخست مبتنی بر یافتن دیدگاه اسلامی درباره محورهای بنیادین پیش گفته و پیوند آن با اصول و ارکان تمدن و پیشرفت است. این مبانی سطوح مختلفی دارند و از بنیادی‌ترین لایه‌ها تا سطوحی مماس با اصول عملی الگو را تشکیل می‌دهند. تحقیق حاضر در جستجوی آن است که با مراجعه به تراث اسلامی این مبانی را شناسایی و بررسی کند.

شایان ذکر است که ثقل اصلی بحث در این تحقیق بر وجه اسلامیت الگو، یعنی آن دسته از مبانی است که به آن بن‌مایه اسلامی می‌دهد، اما وجه ایرانی بودن آن مساله دیگری است که از حوزه این تحقیق خارج است. بنابراین چنین تحقیقی می‌تواند برای همه کشورهای اسلامی سودمند بوده و بر اساس آن می‌توان نظریه اسلامی پیشرفت را به همه مسلمانان ارائه کرد تا هر کشوری متناسب با شرایط و مقتضیات جامعه خویش از آن بهره جوید.

هدف این بحث دستیابی به آن دسته از مبانی و زیرساخت‌های نظری اندیشه اسلامی است که بر اساس آنها بتوان نظریه اسلامی را کشف و سپس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت را طراحی کرد. چنانکه از مطالب پیشین روشن شد الگوی پیشرفت آنگاه دین بنیاد و دارای جهت‌گیری صحیح و پیشرو در جهت اهداف و آرمان‌های اصیل اسلامی خواهد بود که کاملاً مبتنی بر مبانی اسلامی و منطبق با آموزه‌های اساسی آن باشد. چنین چیزی بدون بررسی عمیق، جامع و همه جانبه مبانی و تنقیح و تدقیق آنها میسر نیست. لاجرم بحث از مبانی و کشف و تنظیم و تدسیق آنها امری بایسته و اجتناب ناپذیر می‌نماید و بدون آن زمینه پیدایش انواع انحرافات و کژی‌ها در ساخت الگوی پیشرفت کشور وجود خواهد داشت.

مبانی خداشناختی

-خدا محوری و توحید، اساس و محور بنیادین حیات فردی و اجتماعی مؤمنان است. الله معبود یکتا، علیم، حکیم، غنی، رب العالمین، رحمن، رحیم، هادی، شارع، تنها مالک و حاکم مطلق هستی است که:

-عادل در تکوین، تشریح و سزادهی است؛

-واسع، جبران‌کننده، روزی‌دهنده مخلوقات، اجابت‌کننده دعاها و حاجت‌هاست؛

-ولی مؤمنان، یاور مجاهدان راه خدا، حامی مظلومان، انتقام‌گیرنده از ظالمان و وفاکننده به وعده خویش است.

مبانی جهان‌شناختی

- جهان با عوالم غیب و شهودش، سرشست توحیدی دارد و مراتب روحانی، مادی، دنیوی و اخروی‌اش، پیوسته در مسیر تکامل و تعالی به سوی خداوند است.

- نظام علی- معلولی بر جهان حاکم است. جهان مادی در طول عالم ماوراست و عوامل مؤثر در آن منحصر به علل مادی و طبیعی نیست.

- جهان محل عمل و آزمایش و بستر تکامل و تعالی و یا سقوط معنوی اختیاری انسان است و بر اساس سنت‌های الهی به کردارهای آدمیان واکنش نشان می‌دهد.

- خداوند جهان مادی را در خدمت انسان که امانتدار و آبادکننده آن است، قرار داده که در صورت بهره‌برداری کارآمد و عادلانه، تأمین‌کننده نیازهای او است.

مبانی انسان‌شناختی

- هدف از آفرینش انسان، معرفت و عبادت پروردگار و در پرتو آن، دستیابی به مقام قرب و خلیفه‌اللهی است.

- حقیقت آدمی، مرکب از ابعاد فطری و طبیعی و ساحات جسمانی و روحانی است.

- بعد فطری او که ناشی از نفخه‌ی الهی است منشأ کرامت ذاتی و نیز برخوردارگی از اوصاف خداپرستی، دین‌ورزی، کمال‌گرایی، حقیقت‌جویی، خیرخواهی، زیبایی‌گرایی، عدالت‌طلبی، آزادی‌خواهی و دیگر ارزش‌های متعالی است. چنان‌که بعد طبیعی او منشأ دیگر اوصاف و نیازهای مادی گوناگون است. انسان در کشاکش مقتضیات این دو دسته صفات و نیازها و تحقق معقول و متعادل آنها به کمالات اکتسابی دست می‌یابد.

- انسان دارای کمال و سعادت اختیاری است که در صورت انتخاب‌های صحیح و در چارچوب تمسک به هدایت الهی و رشد عقلانی می‌تواند به مرتبه نهایی آن واصل شود.

- حیات انسان پس از مرگ تداوم می‌یابد و چگونگی حیات اخروی مبتنی بر باور، بینش، منش، اخلاق، کنش و رفتار آدمیان در زندگی دنیوی است.

- با توجه به مبادی پیش‌گفته، انسان دارای حقوقی از جمله حق حیات معقول، آگاهی، زیست معنوی و اخلاقی، دینداری، آزادی توأم با مسئولیت، تعیین سرنوشت و برخوردارگی از دادرسی عادلانه است. -انسان موجودی اجتماعی است و تأمین بسیاری از نیازها و شکوفایی استعدادهای خود را در بستر تعامل و مشارکت جمعی جستجو می‌کند.

مبانی جامعه‌شناختی

- جامعه به عنوان بستر تعامل و مشارکت در جهت تأمین انواع نیازها و شکوفایی استعدادها، نافی هویت فردی، اختیار و مسئولیت اعضا نیست ولی می‌تواند به بینش، گرایش، منش، توانش و کنش ارادی آنها جهت دهد و از افراد به ویژه نخبگان اثر پذیرد.

-ساخت‌یافتگی جامعه عمدتاً مبتنی بر فرهنگ است که به‌مثابه هویت و روح کلی جامعه در اجزاء و عناصر خرد و کلان آن حضور دارد.

-بنیادی‌ترین واحد تشکیل‌دهنده جامعه، خانواده است که نقشی بی‌بدیل در تولید، حفظ و ارتقای فرهنگ جامعه دارد.

-جوامع با وجود پاره‌ای تفاوت‌ها، تحت تأثیر سنن الهی و قوانین تکوینی مشترک و فراگیر هستند

-شماری از سنت‌های الهی حاکم بر جوامع و تاریخ عبارتند از: پیوند تحولات اجتماعی با نفس و اراده انسان؛ وفور نعمت در اثر تقوی، عدالت و استقامت؛ عذاب و کیفر جامعه در صورت گسترش ظلم، فساد، گناه و ترک امر به معروف و نهی از منکر؛ امهال و استدراج و سلطه مؤمنان بر اهل باطل

-تغییرات اجتماعی تحت تأثیر عوامل فرهنگی، جمعیتی و انسانی، جغرافیایی، سیاسی، اقتصادی، دانشی و فناوریانه پدید می‌آید.

-جامعه دینی مبتنی بر شکل‌گیری مناسبات اجتماعی بر اساس اصول و ارزش‌های دینی است و دینداری فردی آحاد جامعه به تنهایی ضامن تحقق جامعه دینی نیست.

-جهت‌گیری تاریخ به‌سوی آینده‌ای پیشرفته در تمام ابعاد مادی و معنوی با حاکمیت ایمان و تقوا و رهبری امام معصوم (ع) است.

-پیشرفت حقیقی با هدایت دین اسلام، رهبری پیشوای الهی، مشارکت و اتحاد مردم و توجه به غایت پایدار تحقق کلمه الله حاصل می‌شود.

مبانی ارزش‌شناختی

-ارزش‌ها ریشه در واقعیت دارند و اصول آن‌ها ثابت، مطلق و جهان‌شمول است.

-اصول ارزش‌ها از طریق عقل و فطرت، و تفصیل آن از طریق کتاب و سنت قابل کشف است.

-ارزش‌ها در ساحت‌های ارتباطی انسان با خدا، خود، خلق و خلقت ساری است.

-تحقق ارزش‌ها موجب پیشرفت دنیوی و سعادت اخروی است.

مبانی دین‌شناختی

-دین، دستگاه جامع معرفتی- معیشتی است که از سوی خداوند متعال برای تأمین کمال و سعادت دنیوی و اخروی آدمیان نازل شده است.

-دین کامل، جهان‌شمول و نهایی، اسلام است که بر نبی خاتم(ص) نازل و توسط آن حضرت ابلاغ و تفصیلات آن در سنت پیامبر و اهل بیت(ع) بیان شده است.

-اسلام با نظام هستی و سرشت انسان، هماهنگی دارد و نقش بدیل‌ناپذیری در تأمین نیازهای نظری و عملی، فردی و اجتماعی و دنیوی و اخروی ایفا می‌کند. به همین جهت استطاعت کامل برای تمدن‌سازی و ارائه‌ی الگوی پیشرفت دارد.

-اسلام در چارچوب مبانی و اصولی ثابت و پایدار و بر مبنای اجتهاد در عرصه‌های اعتقادی، اخلاقی و شریعت و توجه به عناصر انعطاف‌پذیر فقه اسلامی، توان پاسخگویی به نیازهای نوشونده زمانی و مکانی را دارد.

-خردورزی و تمسک به دانش بشری و تجارب عقلایی مورد تأکید اسلام است و وحی، مایه شکوفایی عقل محسوب می‌شود. از این رو تمدن‌سازی و پیشرفت اسلامی افزون بر تکیه بر اصول، ارزش‌ها و تعالیم اسلامی، مبتنی بر عقل و دانش بشری نیز هست.

آرمان‌ها

آرمان‌های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، ارزش‌های بنیادین فرازمانی و فرامکانی جهت‌دهنده پیشرفت است. مبنایی‌ترین این ارزش‌ها، نیل به خلافت الهی و حیات طیبه است. اهم ارزش‌های تشکیل‌دهنده حیات طیبه عبارتند از: معرفت به حقایق، ایمان به غیب، سلامت جسمی و روانی، مدارا و همزیستی با هم‌نوعان، رحمت و اخوت با مسلمانان، مقابله مقتدرانه با دشمنان، بهره‌برداری کارآمد و عادلانه از طبیعت، تفکر و عقلانیت، آزادی مسئولانه، انضباط اجتماعی و قانون‌مداری، عدالت همه‌جانبه، تعاون، مسئولیت‌پذیری، صداقت، نیل به کفاف، استقلال، امنیت و فراوانی.

رسالت

رسالت ملت و نظام جمهوری اسلامی ایران حرکت عقلانی، مؤمنانه و متعهدانه در جهت ایجاد تمدن نوین اسلامی متناسب با آرمانها در زیست‌بوم ایران است.

افق

در سال ۱۴۴۴ هجری شمسی مردم ایران دیندار، عموماً پیرو قرآن کریم، سنت پیامبر(ص) و اهل‌بیت(ع) و با سبک زندگی و خانواده اسلامی ایرانی و روحیه جهادی، قانون‌مدار، پاسدار ارزش‌ها، هویت ملی و میراث انقلاب اسلامی، تربیت‌یافته به تناسب استعداد و علاقه تا عالی‌ترین مراحل معنوی، علمی و مهارتی و شاغل در حرفه متناسب‌اند و از احساس امنیت، آرامش، آسایش، سلامت و امید زندگی در سطح برتر جهانی برخوردارند.

تا سال ۱۴۴۴ ایران به پیش‌تاز در تولید علوم انسانی اسلامی و فرهنگ متعالی در سطح بین‌المللی تبدیل شده و در میان پنج کشور پیشرفته جهان در تولید اندیشه، علم و فناوری جای گرفته و از اقتصادی دانش‌بنیان، خوداتکا و مبتنی بر عقلانیت و معنویت اسلامی برخوردار، و دارای یکی از ده اقتصاد بزرگ دنیا است. تا آن زمان، سلامت محیط زیست و پایداری منابع طبیعی، آب، انرژی و امنیت غذایی با حداقل نابرابری فضایی در کشور فراهم شده؛ کشف منابع، خلق مزیت‌ها و فرصت‌های جدید و وفور نعمت برای همگان با رعایت عدالت بین نسلی حاصل شده است. فقر، فساد و تبعیض در کشور ریشه‌کن گردیده و تکافل عمومی و تأمین اجتماعی جامع و فراگیر و دسترسی آسان همگانی به نظام قضایی عادلانه تأمین شده است.

ایران در آن زمان از تداوم رهبری فقیه عادل، شجاع و توانمند و ضمانت کافی برای سیاست‌ها، قوانین و نظامات مبتنی بر اسلام برخوردار است و همچنان با اتکا به آرای عمومی از طریق مشارکت آزادانه مردم در انتخابات به دور از تهدید ثروت و قدرت و با بهره‌گیری نظام‌مند از مشورت جمعی نخبگان اداره می‌شود و قدرت کامل برای دفاع بازدارنده از عزت، حاکمیت ملی و استقلال، امنیت همه‌جانبه و تمامیت ارضی خویش را حفظ کرده و عامل اصلی وحدت و اخوت اسلامی، ثبات منطقه‌ای و عدالت و صلح جهانی است.

در سال ۱۴۴۴ ایران از نظر سطح کلی پیشرفت و عدالت، در شمار چهار کشور برتر آسیا و هفت کشور برتر دنیا شناخته می‌شود و دارای ویژگی‌های برجسته جامعه اسلامی و خاستگاه تمدن نوین اسلامی ایرانی است.

تدابیر

تبیین و ترویج اسلام ناب محمدی(ص) متناسب با مقتضیات روز
تقویت و تعمیق فرهنگ توحیدی و معادباور و ایمان به غیب
بسط فرهنگ قرآنی و تعمیق معرفت و تداوم محبت اهل بیت(ع) از طریق زنده نگه داشتن فرهنگ عاشورا و انتظار بدون انحراف و بدعت
ترویج آموزه‌های اخلاق اسلامی و هنجارهای مدنی و تبلیغ عملی دین
شناساندن علمی و واقع‌بینانه ارزش‌ها و دستاوردهای انقلاب اسلامی
گسترش تعلیم و تربیت و حیانی، عقلانی و علمی
تربیت نیروی انسانی توانمند، خلاق، مسئولیت‌پذیر و دارای روحیه مشارکت جمعی با تأکید بر فرهنگ جهادی و محکم‌کاری
ارتقای موقعیت شغلی، کرامت و منزلت اقشار علمی و فرهنگی به ویژه معلمان و استادان
تبیین، ترویج و نهادینه‌سازی سبک زندگی اسلامی ایرانی سالم و خانواده‌محور با تسهیل ازدواج و تحکیم خانواده و ارتقای فرهنگ سلامت در همه ابعاد
اهتمام به احیا و توسعه نمادهای اسلامی ایرانی به ویژه در پوشش، معماری و شهرسازی با حفظ تنوع فرهنگی در پهنه سرزمین
تحقیق و نظریه‌پردازی برای تبیین عدم تعارض دوگانه‌هایی از قبیل عقل و نقل، علم و دین، پیشرفت و عدالت، ایرانی بودن و اسلامیت، و تولید ثروت و معنویت از سوی صاحب‌نظران و نهادهای علمی کشور
تقویت و گسترش تولید علمی اصیل، بومی و مفید در رشته‌های علوم انسانی با بهره‌گیری از مبانی و منابع اسلامی و دستاوردهای بشری
توسعه علوم بین‌رشته‌ای و مطالعات و پژوهش‌های چند رشته‌ای بدیع و مفید
کوشش و تعامل فکری بلندمدت و پایدار نخبگان و مؤسسات علمی برجسته کشور در عرصه بین‌المللی
حمایت فزاینده و مطالبه متناسب از برجسته‌ترین مؤسسات و شخصیت‌های علمی کشور برای تولید علم در راستای رفع نیازها و حل مسائل اساسی جامعه
ارزش‌گذاری معلومات و مهارت‌های غیررسمی روزآمد و کارآمد، ارتقای دانش‌های مهارتی و تنوع‌بخشی به شیوه‌های مهارت‌افزایی
ارتقای دانش پایه و توسعه شبکه‌های علم، فناوری و نوآوری با همکاری متقابل مؤسسات علمی و پژوهشی، صنایع و دولت در فرایند تولید کالا و خدمات

ارتقای مهارت‌های حرفه‌ای بومی به فناوری‌های صنعتی با استفاده از دستاوردهای نوین علمی و تجارب تاریخی و احیای بازارهای تولیدی تخصصی مطابق قابلیت‌های سرزمینی
پی‌ریزی و گسترش نهضت کسب و کار هنرهای نمایشی و کاربردهای فضای مجازی با استفاده از میراث فرهنگی و ادبی ایرانی اسلامی و قابلیت‌های ملی و محلی مطابق تقاضا و پسند مخاطب منطقه‌ای و جهانی
التزام به رعایت اصول و قواعد اسلامی در غایت و ساختار تصمیمات، سیاست‌گذاری‌ها و نهادسازی‌های اقتصادی و مالی
تحقق عدالت مالیاتی و کاهش فاصله‌های جمع درآمد خالص خانوار از طریق ایجاد نظام یکپارچه مالیات ستانی، تأمین اجتماعی و ارائه تسهیلات مالی با بهره‌گیری از سامانه جامع اطلاعاتی ملی
تسهیل ورود کارآفرینان به عرصه‌های اقتصادی به ویژه اقتصاد دانش بنیان و کاهش هزینه‌های کسب و کار با تأکید بر اصلاح قوانین، مقررات و رویه‌های اجرایی کشور
تحقق عدالت در ساختار قانونی نظام بانکی با ایجاد انضباط پولی، رهایی از ربای قرضی، توزیع عادلانه خلق پول بانکی و بهره‌مندسازی عادلانه‌آحاد مردم جامعه از خدمات پولی
استقلال بودجه دولت از درآمد‌های حاصل از بهره‌برداری از منابع طبیعی و ثروت‌های عمومی و انتقال این درآمد‌ها به مردم با تأمین عدالت بین نسلی
توقف خام‌فروشی منابع طبیعی ظرف ۱۵ سال از زمان شروع اجرای الگو و جایگزینی آن با زنجیره پیش‌رونده تولید ارزش افزوده ملی در داخل و خارج کشور
مصون‌سازی و تقویت فرآیندها، سیاست‌ها، تصمیمات و نهادهای اقتصادی در مقابل تکان‌های سیاسی-اقتصادی هدفمند و غیرهدفمند برونزا
توسعه فعالیت‌های زیربنایی، اقتصادی و اجتماعی و مصرف آب، انرژی و سایر منابع حیاتی متناسب با ظرفیت، حقوق و اخلاق زیستی
حفظ حقوق مالکیت عمومی بر منابع طبیعی و ثروت‌های ملی همراه با رعایت ملاحظات صیانتی، زیست محیطی و بین‌نسلی در بهره‌برداری از آنها
کاهش شدت مصرف انرژی و متناسب‌سازی سهم تولید و مصرف انرژی از منابع انرژی پاک
بسترسازی برای استقرار متعادل جمعیت و توازن منطقه‌ای در پهنه سرزمین بر مبنای آمایش ملی و تخصیص امکانات و تسهیل و تشویق سرمایه‌گذاری در بخش‌های اقتصادی و فرهنگی مناطق مختلف و توانمندسازی مناطق محروم با توجه به استعدادهای سرزمینی
تمرکززدایی در ساختار اقتصادی-مالی کشور با واگذاری برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری به استان‌ها و شهرستان‌ها در چارچوب سیاست‌های ملی
بهره‌گیری از دیپلماسی فعال اقتصادی در کسب فناوری‌های پیشرفته و تشویق سرمایه‌گذاری خارجی برای صادرات و حمایت از صادرات تولیدات داخلی با ارزش افزوده
فعال کردن قابلیت‌های سرزمینی و موقعیت ارتباطی ایران از طریق ایجاد زیرساخت‌های پیشرفته برای تبدیل ایران به قطب راهبردی فرهنگی، علمی، فناوری و اقتصادی
گسترش قطب‌های گردشگری طبیعی، فرهنگی، مذهبی و سلامت با محوریت مناطق و مراکز هویت‌ساز
تأمین امنیت و ایمنی غذا و ترویج تغذیه سالم و ارتقای سازوکارهای نظارت بر تولید و توزیع مواد غذایی و مصرفی
پوشش همگانی مراقبت‌ها و خدمات و توزیع عادلانه منابع حوزه سلامت

همکاری بین‌بخشی و مشارکت نظام‌مند مردمی در ارتقای سلامت با اولویت پیشگیری و کنترل عوامل تهدیدکننده
تنظیم نرخ باروری در بیش از سطح جانشینی
اعتلا و تقویت و ترویج دانش بومی در حوزه سلامت مبتنی بر شواهد متقن علمی
ارتقای توانمندی‌های حوزه پزشکی با هدف ارائه آموزش، خدمات و تولیدات در سطح ملی و بین‌المللی
اعتلای منزلت و حقوق زنان و ارتقای جایگاه اجتماعی و فرصت‌های عادلانه آنان و تأکید بر نقش مقدس مادری
ارتقای استقلال، اقتدار، پاسخگویی و تخصصی شدن نظام قضایی و تربیت و جذب قضات عالم و متعهد و دانش‌افزایی مستمر و نظارت بر عملکرد قضات و کارکنان قضایی و اصلاح و الکترونیکی کردن فرایندهای دادرسی
طراحی و اجرای راه‌های پیشگیری از جرم و افزایش آگاهی و اخلاق اجتماعی و تقوای عمومی
گسترش فهم عمیق و تحکیم نظریه مردم‌سالاری دینی مبتنی بر ولایت فقیه
حفظ و تقویت مردم‌سالاری دینی، مشارکت مردمی، عدالت و ثبات سیاسی
گسترش و تقویت تشکل‌های مردمی به منظور افزایش سرمایه اجتماعی و تحکیم ساختار درونی نظام
تقویت فضای آزاداندیشی به منظور ارزیابی و نقد علمی سیاست‌ها و عملکردهای گذشته و حال برای تصحیح مستمر آن و حفظ مسیر انقلاب اسلامی
ارتقای نظارت رسمی، مردمی و رسانه‌ای بر ارکان و اجزای نظام و پیشگیری از تداخل منافع شخصیت حقیقی و حقوقی مسئولان و کارکنان حکومت و برخورد بدون تبعیض با مفسدان به ویژه در سطوح مدیریتی
اجرای کامل ضمانت‌های پیش‌بینی شده در قانون اساسی در حوزه آزادی‌های فردی و اجتماعی و آموزش و ترویج حقوق و تکالیف شهروندی و تقویت احساس آزادی در آحاد جامعه
تعیین ضوابط عادلانه و شفاف‌سازی فرایندهای تخصیص امکانات و امتیازات دولتی؛ درآمد، ثروت و معیشت مسئولان حکومتی و منابع و هزینه‌های مالی فعالیت سیاستمداران و تشکل‌های سیاسی
گزینش مسئولان و مدیران بر مبنای التزام عملی آنان به حد کفاف در معیشت و اهتمام ایشان به هنجارهای عدالت، صداقت، راستگویی، اعتماد، فداکاری و پاسخگویی
تقویت اقتدار حاکمیتی و ارتقای نظام سیاسی و متناسب‌سازی ساختار اداری کشور با روش‌های جدید به گونه‌ای که کمتر از یک درصد جمعیت کشور حقوق‌بگیر دولت باشند
پیشگیری از شکل‌گیری تهدید علیه جمهوری اسلامی ایران، گسترش بسیج مردمی و تقویت بنیه دفاعی بازدارنده
تقریب مذاهب اسلامی و تحکیم اتحاد و انسجام مسلمانان از طریق تأکید بر مشترکات دینی و پرهیز از اهانت به مقدسات مذاهب اسلامی
ترویج عقلانیت و روحیه جهادی در جهان اسلام و حمایت از حرکت‌های اسلامی و نهضت‌های آزادی‌بخش و استیفای حقوق مردم فلسطین
تأکید بر چندجانبه‌گرایی، گسترش دیپلماسی عمومی و کمک به حکمیت و صلح بین‌المللی

3- الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت از دیدگاه امام خمینی (ره)

آراء و اندیشه های امام خمینی کلید حل مشکلات جهان اسلام است. هرچند این موضوع برای بسیاری از مسلمانان و متفکران جهان اسلام کاملا روشن است لکن ترفندهای مداوم استکبار جهانی و دشمنان اسلام ناب محمدی که هدفی جز تضعیف و نهایتا به فراموشی سپردن الگوهای عملی، رهایی بخش و انسان ساز اندیشه و راه و روش امام را ندارند بعضا در اذهان مفروض یا جاهل و ساده لوح القاءگرایی مطلب است که امام خمینی پدیده ای تاریخی بود و با رحلت ایشان دوران وی نیز به سر آمده و مسایل را بایستی به صورتی دیگر حل و فصل کرد. آنان از عظمت اندیشه و عمل امام غافلند. آنان از خود نمی پرسند که چگونه هنوز اندیشه ابن سینا و غزلهای حافظ مورد استفاده قرار می گیرند و سرمشق می شوند، چگونه راه و روش و آراء دانشمندان و متفکران عالم حتی تا قرنهای بعد الگوی کار و عمل است لکن امام خمینی که توانست اسلام ناب محمدی را در عصر حاضر معرفی کند و دین خدا را به مرحله اجرا درآورد و رژیم ستمگر ریشه داری را که مورد حمایت قدرتهای مخرب عالم بود براندازد و در این عالم خاکی طرحی نو دراندازد نمی تواند مورد تقلید قرار گیرد؟

نه تنها دوران امام بسر نیامده بلکه در سحرگاه زندگی جاودان خویش است و کشور اسلامی ایران برای پای بندی به اسلام ناب محمدی و حفظ استقلال و ارزشهای معنوی خویش راهی جز پیمودن راه امام ندارد و هر انحراف کوچکی از این راه خدای ناکرده اسباب انحرافات بزرگتر و نهایتا سقوط در آتش خشم الهی است که این انقلاب محصول خون شهداست و مورد عنایت پروردگار عالم. درباره لزوم پیمودن راه امام در تمام ابعاد و نه فقط در مسایل مربوط به توسعه، فراوان می توان استدلال کرد لکن در اینجا بهتر است برای شاهد مثال نمونه کوچکی از نظریات ابراز شده درباره ایشان را چه از طرف دوست و چه از طرف دشمن، بیاوریم که در واقع نوعی بازنگری و امعان نظر نسبت به اندیشه و عمل آن حضرت است، و چه بهتر که به عنوان حسن آغاز، کلام مقام معظم رهبری شاگرد ارجمند مکتب امام و جانشین او مورد توجه قرار گیرد که "امام خمینی گنج بی پایان است" (مولانا، 1371).

در اکثر قریب به اتفاق سخنرانی ها و پیام های ایشان، یاد و نام امام خمینی علاوه بر تعظیم و تکریم به عنوان الگوی عملی و قاطع حل مشکلات مطرح شده است و با آن چنان جملاتی زیبا که جمع آوری این جملات کتاب بزرگی خواهد شد برای شناخت و معرفی هرچه بهتر بنیانگذار جمهوری اسلام ایران و تردیدی نیست که تمامی تلاش مقام معظم رهبری، حاکمیت راه امام است: "راه او راه ما، هدف او، هدف ما و رهنمود او مشعل فروزنده ماست."

اندیشه و سیره امام خمینی، یعنی راه امام خمینی، راه اسلام ناب محمدی است که همه علوم می توانند در قالب و مسیر آن شکل متفاوت دیگری با آنچه تاکنون بوده اند بخود گیرند و در واقع از مسیر کفر و ضلالت به مسیر حق تغییر جهت دهند. بنابراین وقتی جنبه های گوناگون زندگی اجتماعی مانند اقتصاد، سیاست، فرهنگ، هنر و، را از دیدگاه امام مورد تحقیق قرار می دهیم در واقع می خواهیم ببینیم این گونه معارف بشری چگونه و در چه جهتی با چه اهدافی، با چه شرایط و تناسب و میزانی می تواند در مسیر حق یعنی همان مسیر وصول به آن جامعه متعالی مکتب اسلام ناب محمدی قرار گیرد و به پیش رود، همان گونه که بدون نام امام این انقلاب در هیچ جای جهان شناخته نمی شود، بدون توجه به سیره و اندیشه های ایشان نیز که مورد تاکید مداوم مقام معظم رهبری است، در هیچ زمینه ای جمهوری اسلامی که میراث رنج و تلاش و استقامت طولانی اوست موفقیت مطلوب را بدست نخواهد آورد. لذا مطالعه

دقیق و عمیق نظریات امام در هر برنامه ریزی اجتماعی و حتی شخصی در جمهوری اسلامی پیش شرط موفقیت است. زیرا که امام خمینی تجسم اسلام ناب محمدی در عصر اکنون است (شکرخواه، 1376)

علاوه بر این توجه دقیق به این نکته ضروری است که نظریات حضرت امام چند بعدی است و کلیتی غیر قابل تفکیک را تشکیل می دهد. همچنان که قرآن چنین است، همچنان که سنت پیامبر عظیم الشان اسلام (ص) چنین است. همچنان که نظریات انبیاء و ائمه معصومین علیهم السلام چنین بوده است و امام نیز شاگرد و وارث این مکتب است لذا وقتی مثلا درباره نظریات امام در زمینه اقتصاد یا توسعه بررسی و تحقیق می کنیم بایستی در نظر داشته باشیم که این نظریات از نظریات ایشان درباره سیاست هنر یا عرفان جدا نیست.

نظریات وسیره امام در مجموع کلیت و تناسبی یکپارچه دارد که بدون در نظر داشتن آن تحقیق و بررسی در زمینه های خاص به اهداف کامل خود نخواهد رسید. اسلام یک مکتب یکپارچه و تمام و کمال است و برای اجرای هر بعدی تمام ابعاد آن بایستی لحاظ شود و گرنه حاصل همان "نومن بیعض و نکفر بیعض" در می آید(فلسفی، ج1).

چشم انداز پیشرفت مطلوب

هدف از پیشرفت این است که ایران اسلامی در حرکت خود به سوی ترقی شتاب بخشد و به پیشرفت مطلوب و مقبول اسلام دست یابد و کشور را به تمدن بزرگ اسلامی نزدیک سازد و چهره ای مقتدر، کارآمد و توأم با عدالت و اخلاق و معنویت از آن به نمایش بگذارد و آن را الگوی ملت‌های دنیا گرداند. امام خمینی قدس سره چشم انداز پیشرفت مطلوب را برای کشور این گونه ترسیم کرده، می فرماید: بزرگ ترین آرزوی من این است که مردم ایران، در راه پیشرفت و ترقی و سعادت انسانی سرمشق برای همه ملت ها باشند.

ما می خواهیم یک جمعیتی نورانی پیدا بکنیم، یک قشرهای نورانی که وقتی وارد می شویم در یک دانشگاهی، علمش نورانی، علمش نورانی، اخلاقش نورانی، همه چیزش نورانی باشد، الهی باشد. اعتلا به این است که ما مسلکمان را و مکتبمان را به پیش ببریم ما رو به اعتلا هستیم و بشر را رو به اعتلا می خواهیم ببریم.

مهم این است که اسلام به همه ابعاد تحقق پیدا بکند به طوری که هر کس وارد این مملکت می شود، از سر حد که وارد شد آثار اسلام ببیند تا مرکز که آمد آثار اسلام، دانشگاه رفت اسلامی، وزارتخانه ها رفت اسلامی، ادارات دولتی رفت اسلامی، بازار آمد اسلامی، در کشاورزها و پیش کارگرها رفت اسلامی، آنکه مقصد ما هست این معنا هست.

مقام معظم رهبری رسیدن به پیشرفتی همه جانبه را از اهداف انقلاب اسلامی می داند و دستیابی به آن را مطلوب ثابت و ایده آل اسلام شمرده، می فرماید: هدف انقلاب عبارت بود از ساختن یک ایرانی با این خصوصیات که عرض می کنم: مستقل، آزاد، برخوردار از ثروت و امنیت، متدین و بهره مند از معنویت و اخلاق، پیشرو در مسابقه عظیم بشری، در علم و بقیه دستاوردها، برخوردار از آزادی با همه معانی آزادی، هم آزادی اجتماعی مورد نظر است، به معنای رها بودن و آسوده بودن و آزاد بودن کشور از دست اندازی بیگانگان و استیلای آنها، و هم آزادی معنوی که آن رستگاری انسان و تعالی اخلاقی انسان و عروج معنوی انسان است که هدف اعلی، این است ایران با این خصوصیات مطلوب،

همه این چیزهایی که گفتیم؛ همه آن چیزی که مربوط به مسائل دنیای جامعه است؛ مثل عدالت، امنیت، رفاه، برخورداری از آزادی و استقلال- هم آنچه که مربوط به مسائل اخروی است؛ مثل رستگاری، تقوا، پرهیزگاری، رشد اخلاقی، تکامل معنوی انسان، در کلمه اسلامی مندرج است.

رهبر معظم انقلاب در توضیح بیشتر این هدف می فرماید: این چیزی بود که در انقلاب بود. می خواستیم ایرانی بسازیم با این خصوصیات. این مطلب یک اضافه ای دارد و آن این است که مسئله فقط ایران هم نبود؛ ایران به عنوان یک الگو برای جوامع اسلامی در درجه اول و همه جوامع بشری در درجه بعد، مورد نظر بود. ما می خواستیم این جامعه را با این خصوصیات بسازیم و آن را بگذاریم جلوی چشم آحاد بشر و امت اسلامی؛ بگویید این است که هم مطلوب اسلام است و هم میسر مردم این روزگار است. انقلاب می خواست به همه کسانی که در هر نقطه ای از دنیای اسلام هستند، نشان بدهد که این الگو تحقق یافتنی و شدنی است. این هم نمونه اش. این آن چیزی بود که به عنوان هدف انقلاب وجود داشت. این هدف از اول بود، امروز هم همین هدف است، در آینده هم همین هدف خواهد بود؛ این هدف ثابت است (پناهی، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره 3 و 4).

این کشور بایستی ساخته شود، این کشور باید پیش برود، این ملت بزرگ بایستی استعدادهايش شکوفا گردد، بایستی در دنیا بدرخشد و بالاخره آن تمدن عظیم اسلامی را در مقابل چشم جهانیان بگذارد و نشان دهد.

رهبر معظم انقلاب اساس این پیشرفت مطلوب را بر چهار ستون اصلی رفاه مادی، عدالت اجتماعی، روحیه و آرمان انقلابی و برخورداری از ارزشهای اخلاقی اسلام، استوار دانسته، می فرماید: بر این چهار ستون اصلی است که جامعه رو به رشد اسلامی شکل می گیرد و قوام و استحکام می یابد و استعدادها شکوفا و سرچشمه های نیکی و بهروزی جوشان می شود و جامعه اسلامی الگوی جذابی برای همه ملتها می گردد.

نقشه و الگوی پیشرفت

پس از روشن شدن ضرورت و چشم انداز پیشرفت مطلوب اسلام، نوبت به نقشه و الگوی این پیشرفت می رسد. شکی نیست که برای رسیدن به پیشرفت مطلوب باید از شیوه های پیشرفته و نوین استفاده کرد. لیکن سؤال این است که به کدامین الگو باید حرکت کرد؟ نقشه و الگوی ما برای پیشرفت مطلوب چیست؟ آیا پیشرفت به شیوه از دور خارج شده غربیها را باید الگو قرار داد؟ یا از مسیر منسوخ و بر افتاده اردوگاه شرق قدیم پیروی کرد؟ یا اینکه در جست و جوی یافتن الگویی دیگر بود؟

امام خمینی قدس سره و رهبر معظم انقلاب، نقشه و الگوی پیشرفت کشور را، «پیشرفت اسلامی- ایرانی» می دانند و بر این باورند که الگوی پیشرفت کشور اولاً باید اسلامی باشد؛ بدین معنا که بر مبنای اسلام و معیارهای اسلامی باشد. پیشرفتی باشد که همراه با عدالت، معنویت و اخلاق باشد. پیشرفتی انسانی باشد و بتواند انسان و اجتماع را به سعادت دنیوی و اخروی برساند. ثانیاً ایرانی و با تکیه به فهم و درک و نیاز ایرانی و اقتضائات کشور باشد و بتواند با توجه به پیشینه درخشان تاریخی و فرهنگی ایرانی راه درست را به ما نشان دهد و ما را پیش ببرد.

اسلام، ثابت کرده است که ظرفیت رساندن امت خود به اعتلای مدنی و علمی و عزت و قدرت سیاسی را دارد. آنچه در دوران گذشته ایران اسلامی را به مهد تمدن رساند و آن تمدن عظیم اسلامی را در ایران پدید آورد، هم اکنون نیز در اختیار ماست و به ما هشدار می دهد که:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ... (انفال: 24)، ای کسانی که ایمان آورده اید، چون خدا و پیامبر، شما را به چیزی فراخوانند که به شما حیات می بخشد، آنان را اجابت کنید.

عموم خلقیات مثبتی که یک ملت را از حضیض بیگاری و فقر و ذلت و عقب ماندگی بیرون می کشد و به اوج پیشرفت مادی می رساند در اسلام مورد توصیه مؤکد قرار گرفته است و هر کس به مفاهیم اسلامی مراجعه کند، این را تصدیق خواهد کرد. امام خمینی(ره) می فرماید: ملت ایران با داشتن مکتبی مترقی چون اسلام، دلیلی ندارد که برای پیشرفت و تعالی خود از الگوی های غربی و یا کشورهای کمونیست تقلید کند.

آرزوی امام(ره) این بود که ایران اسلامی به پیشرفت مورد نظر اسلام و توأم با اقامه عدل دست یابد و می فرماید: من امیدوارم به فوز «إِخْدَى الْحُسَيْنِيْنَ» نایل شوم؛ یا پیشرفت مقصود و اقامه عدل و حق، یا شهادت در راه آنکه راه حق است.

و پیشرفت دنیای غرب را مورد تخطئه قرار داده و آن را پیشرفتی غیر انسانی می خواند و می فرماید: غرب دارد دنیا را به صورت یک جنگنده، به صورت یک وحشی بار می آورد... غرب حیوان بار می آورد. آن هم نه حیوان آرام، یک حیوان وحشی! آدمکش! آدمخوار! پیشرفت، پیشرفت انسانی نیست، پیشرفت حیوانی است. گمان نکنید که غربی ها پیشرفت کرده اند. غربی ها در جهات مادی پیشرفت کرده اند، لکن معنویات ندارند.

امام(ره) رشد و تعالی کشور و استقلال آن را در پرهیز از الگوگیری از پیشرفت به سبک غربی دانسته و می فرماید: بدانید مادام که در احتیاجات صنایع پیشرفته، دست خود را پیش دیگران دراز کنید و به در یوزگی عمر را بگذرانید قدرت ابتکار و پیشرفت در اختراعات در شما شکوفان خواهد شد(کوثر، 1371).

رهبر معظم انقلاب نیز در تبیین الگوی ایده آل برای پیشرفت ایران اسلامی می فرماید: در دهه اول انقلاب، پیشرفت را بسیاری از انقلابیون در الگوی چپ؛ چپ دهه شصت، یعنی الگوی گرایشمند به سوسیالیسم می دیدند، این نگاه، نگاه غلطی بود، یک برهه از زمان نگاه، نگاه به پیشرفت غربی بود؛ یعنی همان راهی که فلان کشور مثلاً کره جنوبی به طور مثال که مقلد و تابع آمریکاست یا تابع بلوک غرب است رفتند، این ها هم باید بروند، تصورشان این بود. خودشان را در حد انگلیس و فرانسه و آلمان هم نمی دیدند؛ در حد همین کشورهای می دیدند. این هم رد شد امروز در ذهن و فکر مسئولان و به صورت یک گفتمان عمومی در ذهن نخبگان و فرزندان، نقشه پیشرفت غربی کشور رد شده است؛ غلط از آب درآمده است. علتش هم این است که انتقاد از نقشه پیشرفت به شیوه غربی، امروز مخصوص ملت های شرق نیست، مخصوص ما نیست؛ خوداندیشمندان غربی، خود فرزندان غربی، زبان به انتقاد گشوده اند؛ هم در زمینه های اقتصادی، هم در زمینه های اخلاقی، هم در زمینه های سیاسی. همان چیزی که به آن افتخار می کردند به عنوان لیبرال دموکراسی، امروز مورد انتقاد است. پس این هم نقشه پیشرفت نیست، پس ما بایستی مسیر مشخص ایرانی - اسلامی خودمان را در پیش بگیریم و این را با سرعت حرکت کنیم؛ با سرعت مناسب(طلوعی، 1370).

امروز در دنیا کشورهای توسعه یافته بسیارند، اما در آنها عدالت وجود ندارد. اینها الگوی نظام جمهوری اسلامی نیست. الگوی نظام جمهوری اسلامی، الگوی اسلامی است، یعنی الگوی پیشرفت و

توسعه و رفاه، همراه با عدالت و برادری و محبت و عطفوت بین قشرها و پرشدن شکاف بین فقیر و غنی در جامعه؛ پیشرفت جامعه به این شکل که با معنویت همراه است، مورد نظر، اسلام است.

پیشگامان نوآوری و شکوفای

دو نهاد «حوزه» و «دانشگاه» را می توان از پیشگامان نوآوری و شکوفایی دانست. حوزه می تواند راه را برای نوآوری علمی و فنی دانشجویان حوزوی باز کند. از ابزارها و روشهای متداول در محیط های علمی استفاده نماید و با نوآوری در مباحث دینی و فهم مسائل روز و مستحدثه زندگی، دین خدا را در بین مردم، مورد توجه و رغبت بیشتر قرار دهد. دانشگاه نیز می تواند با نوآوری خود فضای علمی کشور را چه در علوم انسانی و چه در علوم فنی پیش برد و راه را برای رشد و شکوفایی کشور فراهم سازد. امام خمینی قدس سره حوزه و دانشگاه را دو مرکز پیشرفت و انحطاط کشور می داند و می فرماید: دانشگاه و حوزه های علمیه و روحانیون می توانند دو مرکز باشند برای تمام ترقیات و تمام پیشرفتهای کشور؛ و می توانند دو مرکز باشند برای تمام انحرافات و تمام انحطاطات.

حوزه و دانشگاه هر یک بیشتر نقش را در ایجاد، حمایت و گسترش فضای نوآوری در کشور دارند و هر یک باید به عنوان پیشگام و از اولویت های نظام برای نوآوری باشند. رهبر معظم انقلاب، حوزه و دانشگاه را دو نهاد اصیل دانشجویی در کشور می شمارد و بر پیشگامی آنها در نوآوری و شکوفایی تأکید کرده، می فرماید:

ما دو نهاد اصیل دانشجویی داریم. یکی متوجه به کسب علوم مربوط به فهم و تبلیغ دین و نوآوری در مباحث دینی و نوآوری در فهم مسائل روز و حادث شونده در زندگی است که این «حوزه» است و کارش عبارت است از تحقیق در مسائل دینی و فراگرفتن احکام الهی در همه شئون زندگی؛ آن هم نه فقط در آنچه که مربوط به کنج محراب یا کنج خانه است؛ بلکه در قلمرو، وسیع زندگی بشر، نهاد دانشجویی دیگر، ناظر به اداره امور زندگی مردم است، علوم مختلف و انواع و اقسام دانشها، برای بهتر کردن و راه انداختن زندگی مردم وجود دارد. این نهاد هم مشغول فراگیری این دانش هاست که اینها را فراگیرد و در آنها متخصص و صاحب نظر شود، تحقیقات نو دنیایی را جذب کند و خودش به نوبه خود، تازه هایی در این دانش ها بیافریند و به بشریت عرضه کند، این هم یک نهاد دانشجویی کشور (امام خمینی، 1372)

مقام معظم رهبری بر وحدت و همدلی این دو نهاد در عرصه نوآوری و آبادسازی دنیا و آخرت مردم تأکید کرده، می فرماید: اگر این دو نهاد دانشجویی خوب کار کنند و با هم رابطه متقابل دوستانه و از خود دانستن یکدیگر داشته باشند، معنایش این خواهد شد که این جامعه، هم دینش و هم دنیایش آباد خواهد شد. آنها جهت گیری زندگی جامعه را تصحیح می کنند. این ها حرکات زندگی جامعه را تسهیل می کنند. آن ها فکر و ذهن و روح جامعه را آن چنان از زشتی ها و نادرستی ها دور می کنند که بفهمند به کجا باید حرکت کنند و این ها وسیله این حرکت را به دست او می دهند تا حرکت کنند، این دو باید ناظر به یک هدف باشند و آن تکمیل زندگی مردم است.

شرایط و لوازم نوآوری و شکوفای

برای رسیدن به پیشرفت مطلوب باید بسترهای نوآوری و شکوفایی را مهیا ساخت. ولی سؤال این است که چگونه می توان به این هدف دست یافت؟ و این بستر سازی به چه شرایط و لوازمی نیاز دارد؟ به برخی از مهم ترین شرایط و لوازم نوآوری و شکوفایی اشاره می کنیم:

ایمان و اتکال به خدا:

ملّت زمانی می تواند به نوآوری و شکوفایی بپردازد که به خدا و غیب ایمان داشته باشد و در همه کارها به منبع لایزال قدرت الهی تکیه کند. باید روحیه ایمان و اتکال به خداوند را در کشور تقویت کرد تا زمینه نوآوری و شکوفایی در آن فراهم شود. شعار «ما می توانیم» که امام راحل(ره) به ما آموخت، یک شعار صرف نیست، بلکه اعتقادی است که در سایه ایمان و اتکال به خداوند متعال عملی می شود. امام(ره) می فرماید: عمده این است که شما دو جهت را در نظر بگیرید که من کراراً عرض کردم، یکی اعتقاد به خدای تبارک و تعالی، که وقتی که برای او بخواهید کار بکنید، به شما کمک می کند. راه را برای شما باز می کند. در هر رشته که هستید راههای هدایت را به شما الهام می کند. ویکی اتکال به نفس.

رهبر معظم انقلاب نیز می فرماید: موتور حرکت ما، ایمان به خداست و اتکالی ما به خداست. تکیه ما، به راهنماییهای الهی است که در معارف دینی و در احکام ما وجود دارد.

خودباوری و اعتماد به نفس:

برای ورود در عرصه نوآوری پس از ایمان و اتکال به خدا، نیاز به عنصر خودباوری و اعتماد به نفس بیش از دیگر شرایط است. امام خمینی(ره) می فرماید: شما، می توانید همه کارها را انجام بدهید. مخترعین ما می توانند در سطح بالا اختراع بکنند. مبتکرین ما می توانند در سطح بالا ابتکار بکنند. به شرط اینکه اعتماد به نفس خودشان داشته باشند و معتقد بشوند به اینکه {ما می توانیم}

همچنین می فرماید: ما باید باورمان شود که چیزی هستیم. اگر اعتقاد پیدا کردیم که می توانیم هر کاری را انجام دهیم، توانا می شویم. شما هم اعتقاد پیدا کنید که می توانید. مغزها باید شستشو شود و مغزهایی که به خود متکی است جای آن را بگیرد.

رهبر معظم انقلاب نیز می فرماید: اعتقاد و اتکا به نفس، در همه تلاشهای علمی و سیاسی و اقتصادی و فرهنگی ما، ترسیم کننده خط و جهت اصلی است. ما به برکت همین خودباوری که امام خمینی راحل آموختمان، توانستیم کشور ویران و عقب افتاده دوران پهلوی را که در طول هشت سال جنگ تحمیلی ویرانه تر شده بود، بازسازی و از رونق و نشاط سازندگی برخوردار کنیم.

مقام معظم رهبری حفظ و تقویت خودباوری و اعتماد به نفس را وظیفه ای بزرگ و تاریخی دانسته و برخی از آثار و برکات این احساس مبارک را در عرصه دانش و تحقیق، این گونه برمی شمارد: در عرصه دانش و تحقیق؛ ده برابر شدن کمیت دانشجویی، پیدایش و گسترش رشته های متعدد علمی، تحقیقی، فراگیر شدن تحصیلات عالی، بروز استعدادهای درخشان درمیدان ابتکار و اختراع از ثمرات همان خودباوری و اعتماد به نفس است.

تلاش و مجاهدت:

نوآوری و شکوفایی در فضای علمی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی با تلاش و مجاهدت پیگیر به دست می آید. هر کس در هر کاری که مشغول است، چه در دانشگاهها که مشغول دانش هستند و چه در صحراها و بیابانها که مشغول کشاورزی هستند، و چه در کارخانه ها که مشغول جهاد هستند، همه در جهاد در راه خدا هستند و باید این جهاد را به آخر برسانند.

رهبر معظم انقلاب، نوآوری و شکوفایی و رسیدن به پیشرفت مطلوب را در سایه تلاش علمی و عملی ممکن دانسته، می‌فرماید: مبدا کسی خیال کند که مملکت بدون فعالیت و تلاش سازندگی فقط با ذکر خدا گفتن آباد خواهد شد. ابدأ؛ باید تلاش کرد. باید مجاهدت کرد. هم مجاهدت علمی، هم مجاهدت عملی.

مجاهدت عملی به این است که هر کدام از دولت و ملت بکوشند در عرصه کار و فعالیت‌های خود نوآوری کنند. دولت و مسئولان دولتی تلاش کنند در روش‌های اقتصادی، سیاسی و دیپلماسی، پیشبرد کشور به سمت علم و تحقیق، گسترش فرهنگ مطلوب در میان کشور، ارائه خدمات به همه قشرهای محروم و مظلوم و در آبادانی کشور نوآوری نمایند و آحاد مردم نیز در دانش‌گاهها، بنگاه‌های اقتصادی و دستگاه‌های گوناگون اجتماعی و خدماتی.

مجاهدت علمی نیز که عبارت از تلاش برای علم آموزی و فراگیری دانش تحقیق، فکر و نوآوری است، در نگاه مقام معظم رهبری از اهمیت درجه یک برخوردار می‌باشد. خلاصه اینکه: هر چه هست، تابع تلاش است و هر جا که مجاهدت خالصانه و مخلصانه باشد، نتیجه اش درخشش و تألؤ خواهد بود.

قدرت و جرأت علمی:

دو عنصر «قدرت علمی» و «جرأت علمی» از دیگر شرایط نوآوری است.

اگر ما برای یک کشور، عزت و آبرو و رفاه و اقتدار جهانی و پیشرفت های علمی بخواهیم، باید از طریق علم وارد شویم، قطعاً علم نه فقط یک شرط لازم، بلکه یک شرط لازم بسیار مهم است و باید در کشور پیش برود. اگر امروز کشوری از لحاظ علمی پیشرفت نکرد، نه اقتصادش پیشرفت خواهد کرد، نه اقتدار جهانی اش پیشرفت خواهد کرد و نه زندگی مردم پیش خواهد رفت. بالاخره علم باید در کشور پیش برود. به گونه ای که به قدرت علمی برسیم تا بتوانیم در عرصه علم نوآوری داشته باشیم. عواملی که در به دست آوردن قدرت علمی لازم است عبارتند از: هوش وافر، ذخیره علمی لازم و مجاهدت فراوان برای فراگیری.

امام خمینی قدس سره بر تلاش برای فراگیری علم و به دست آوردن قدرت علمی تأکید ورزیده، می‌فرماید: باید چه طبقه جوان روحانی و چه دانشگاهی، با کمال جدیت به تحصیل علم، هر یک در محیط خود ادامه دهند... و بهترین و مؤثرترین مبارزه با اجنبی، مجهز شدن به سلاح علم و دین و دنیاست.

قدرت علمی با همه اهمیتی که دارد به تنهایی برای نوآوری و شکوفایی کافی نیست. زیرا، ای بسا کسانی که از قدرت علمی هم برخوردارند، اما ذخیره انباشته علمی آنها هیچ جا کاربرد ندارد، کاروان علم را جلو نمی‌برد و یک ملت را از لحاظ علمی به اعتلا نمی‌رساند. بنابراین «جرأت علمی» هم لازم است.

رهبر معظم انقلاب می‌فرماید: راه های میانبر را پیدا کنیم و از بدعت و نوآوری در وادی علم، بی‌بیمناک نباشیم. این حرکت باید در دانشگاهها و مراکز علمی و تحقیقاتی ما به صورت انگیزه ای عام، امری مقدس و یک عبادت تلقی شود. همه رشته های علوم باید به این صورت باشد. ما باید این جرأت را داشته باشیم که فکر کنیم می‌توانیم نوآوری کنیم.

نواندیشی و نظریه سازی:

نوآوری و شکوفایی در فضای علمی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی از نواندیشی و نظریه سازی آغاز می شود. یکی از بایسته های تولید نظریه و فکر، راه اندازی کرسی های آزاداندیشی در حوزه های علمیه و دانشگاه های کشور است. این دو مرکز باید به عنوان قلب تپنده نوآوری و شکوفایی، طلایه دار نهضت تولید علم، نواندیشی و نظر سازی باشند.

رهبر معظم انقلاب در این مورد می فرماید: شما که در دانشگاهید، باید درس بخوانید، تحقیق کنید، به فکر نظریه سازی باشید. الگوگرفتن بی قید و شرط از نظریه پردازی های غربی و شیوه ترجمه گرایی را غلط و خطرناک بدانید. ما در زمینه علوم انسانی احتیاج داریم به نظریه سازی. بسیاری از حوادث دنیا حتی در زمینه های اقتصادی و سیاسی و غیره، محکوم نظرات صاحب نظران در علوم انسانی است. در جامعه شناسی، در روان شناسی، در فلسفه؛ آنها هستند که شاخص ها را مشخص می کنند. در این زمینه ها ما باید نظریه پردازی های خودمان را داشته باشیم و باید کار کنیم.

عزم ملی

نوآوری و شکوفایی یک متولی خاص ندارد. از این رو، بایسته است که تمام ارکان جامعه اسلامی و آحاد ملت احساس وظیفه کرده، به میدان بیایند تا نوآوری و شکوفایی در کشور فراگیر شود. رهبر معظم انقلاب، استقلال را مسئله اصلی کشور معرفی کرده و عزم ملی در فراگیر کردن نوآوری و شکوفایی برای حفظ این استقلال را ضروری می داند و می فرماید: امروز مسئله اصلی کشور ما استقلال است... انقلاب برای ما استقلال سیاسی را به بار آورد. این جرأت را به این ملت داد که در مقابل نظام غیر عادلانه سلطه در دنیا بایستد. اما اگر این ملت بخواهد این استقلال سیاسی را، این عرض اندام فرهنگی را در مقابل سلطه گران عالم حفظ کند، باید پایه های اقتصادی خود را محکم کند. این، ریشه دواندن استقلال در کشور است. و این وابسته است به تولید، به کار، به شکوفایی کار، به نوآوری در بخش های مختلف کار؛ از مرکز تحقیقات و آزمایشگاه گرفته، تا توی محیط کارگاه ها، تا توی محیط مزرعه، در همه جا بایستی این نوآوری وجود داشته باشد. آن وقت است که دشمنان خونخوار و هتاک استقلال ملت ایران با ناکامی دهانهای خودشان را خواهند بست و کناری خواهند نشست.

شرایط دیگر

افزون بر موارد مزبور می توان شرایط و لوازم دیگری را نیز برای نوآوری و شکوفایی برشمرد. تلاش اقتصادی، اتحاد و وحدت کلمه از آن جمله اند.

امام خمینی(ره) درباره تلاش اقتصادی فرموده اند: یکی از مسائل مهم ما مسئله اقتصادی است. ما باید سعی کنیم که از حیث اقتصاد قوی و بدون وابستگی باشیم و باید مسئله کشاورزی، بیشتر مورد نظر باشد. البته به طرف صنعت هم باید رفت. همچنین درباره وحدت کلمه و نقش آن در پیشرفت فرموده اند:

همه باید مُعْتَصِم بحبل الله باشند؛ با اعتصام بحبل الله پیشرفت کردیم و خواهیم کرد. تا این وحدت کلمه نباشد و تا توجه به اسلام نباشد، نمی توانیم پیشرفت کنیم. مسائل به حسب علمی و به حسب کلی معلوم است. لکن عمده این است که ما دنبال این مسائل معلوم عمل کنیم.

رهبر معظم انقلاب نیز می فرماید: تدین، رعایت دینی، در حد وسع و امکان، این مایه توجهات الهی است. مایه توفیقات انسانی است. مایه پیشرفت است. این را دست کم نگیرید. من می خواهم بگویم شما اگر فلان فرمول ریاضی، یا فلان عنصر شیمیایی، یا فلان اختراع را به وجود می آورید یا کشف می

کنید و پیدا می‌کنید و حل می‌کنید و در همان حال توجه تان به خدا، به شما کمک خواهد کرد، نقش معنویت را دست کم نباید گرفت.

مدیریت های کارآمد، دلسوز و متعهد را نیز می‌توان از شرایط نوآوری و شکوفایی دانست. چرا که بدون برخورداری از چنین مدیریتی دستیابی به نوآوری و شکوفایی ناممکن می‌شود (رهنمودهای امام، 1369).

منابع

- امام خمینی، (1372)، کلمات قصار، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی
- پناهی، محمد حسین، ضرورت ارزیابی علمی برنامه های توسعه و وضعیت آن در ایران، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره های 3 و 4
- رهنمودهای امام در جهت خودکفایی، (1369)، مجله حوزه، سال هفتم، شماره 37-38
- شکرخواه، یونس، (1376)، تمدن اسلامی از دیدگاه امام خمینی، فصلنامه حضور، شماره 22
- طلوعی، محمود، (1370)، داستان انقلاب، تهران، انتشارات علمی
- فلسفی، محمد تقی، شرح و تفسیر دعای مکارم الاخلاق جلد 1
- قرآن مجید، انفال؛ 24
- کوثر، مجموعه سخنرانیهای حضرت امام خمینی، (1371)، جلد دوم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی
- مجموعه مقالات دومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، 1392. نشر الگوی پیشرفت
- مولانا، حمید، (1371)، گذر از نوگرایی، ترجمه یونس شکرخواه، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.